

ساده نویسی سخن آرای، گامی فراتر از

جعفر ربانی

«دو با فرهنگ، یکی در چین و دیگری در تگزاس زبان یکدیگر را بهتر می‌فهمند تا دو برادر که از فرهنگ بی‌بهره‌اند. اگر اداره امور جهان به کسانی که دارای فرهنگ بودند واگذار می‌شد، بی‌شک دنیایی غیر از آن چه داریم می‌داشتیم. ریشه بسیاری از سوء تفاهم‌ها و بسیاری از اختلاف‌ها بی‌فرهنگی است. چون فرهنگ نباشد، غریزه‌ها و شهوت‌ها حکم‌فرما می‌شوند و غریزه‌ها و شهوت‌ها همواره از سودجویی و خودپرستی پیروی می‌کنند. تخصص در رشته‌ای از رشته‌های معارف بشری کافی نیست که کسی با فرهنگ شود. فرهنگ ثمره و نتیجه دانش است، نه خود آن. بادانسان بی‌فرهنگ در دنیا کم نبوده‌اند و از آن جمله‌اند همه قاضیان بی‌اعتنا به حق، همه سیاستمداران بی‌اعتنا به انسانیت، همه دانشوران دیوسیرت.» (از کتاب «ایران را از یاد نبریم» اثر دکتر محمدعلی آملی ندوشن)

نوشته‌ای که خواندید، متنی کوتاه و ساده است. نویسنده آن چه را می‌خواسته به ساده‌ترین و صحیح‌ترین وجه گفته است. با کلمات بازی نکرده است. احساسی ننوشته است. حتی هیچ‌گونه آرایه یا صناعت ادبی نیز به کار نبرده و نخواسته است خواننده‌اش را با مفاهیم دشوار و سخت روبه‌رو سازد. با این حال، البته، نوشته‌اش زیباست؛ زیرا نه تنها به

یادآوری: در سه شماره گذشته از نوشتن، خاطره‌نویسی و گزارش‌نویسی گفتیم و این بار می‌خواهیم به سخن‌آرایی بپردازیم. در مورد گزارش‌نویسی که در شماره قبل خواندید، دو نکته آن را یادآور می‌شویم:

۱. گزارشگر مشاهده‌گری است که حاصل دیده‌ها و شنیده‌ها و تجربه‌های خود را به صورت مکتوب درمی‌آورد تا آن را به مخاطب خود برساند. بنابراین، گزارش با مقاله تحلیلی، نوشته ادبی و بیان احساسات متفاوت است.

۲. در گزارش‌نویسی، به ویژه در مواردی که ماجرا دو طرف دارد (مثل مسابقات ورزشی)، رعایت عدل و انصاف بسیار مهم است. گزارش صحیح آن است که اگر چند نفر جدا از یکدیگر آن را تهیه کنند، گزارش آن‌ها تفاوت اساسی با هم نداشته باشد و گرنه اعتبار همه گزارش‌ها زیر سؤال می‌رود.

اینک به گونه دیگری از نوشتن می‌پردازیم و آن زیبانویسی یا سخن‌آرایی است.

سخن‌آرایی

نخست نوشته کوتاه زیر را یک بار (بلکه چند بار) بخوانید:

سادگی درک و فهمیده می‌شود بلکه خواننده احتمالاً از نگاه زیبای نویسنده به مقوله فرهنگ لذت می‌برد و درمی‌یابد که با اثری از یک نویسنده توانا روبه‌روست. اما نوشتن همیشه ساده‌نویسی نیست و نباید باشد و بهتر است از عناصر زیبایی بیان در آن استفاده شود. در نوشتن و گفتن طرز بیان همواره اهمیت داشته است. اگر چنین نبود، آثار ادبی بزرگ ماندگار نمی‌شدند و ما امروز در زبان فارسی آثاری مثل کلیله و دمنه، قابوس‌نامه، گلستان سعدی و... نداشتیم. تفاوت یک نوشته ساده با نوشته‌ای که از آرایه‌های ادبی بهره برده، هم‌چون تفاوت خواندن یک غزل حافظ است وقتی به صورت عادی خوانده شود یا وقتی که با آواز و همراه با موسیقی اجرا گردد.

اما منظور از سخن آرایه چیست؟

به کارگیری شیوه‌های گوناگون تصویرسازی و زیبا کردن کلام را سخن آرایه می‌گویند که عبارت است از: تشبیه، مجاز، تمثیل، رمز و نشانه، کنایه، ایهام، تلمیح، تضمین، استشهاد و... در ادامه چند مورد از این‌ها را به اختصار بیان می‌کنیم.

*** تشبیه:** ساده‌ترین و رایج‌ترین شیوه سخن آرایه استفاده از تشبیه است یعنی شبیه کردن (۱) یک چیز (۲) به چیز دیگر (۳) به جهت وجه مشترکی (۴) که بین آن دو وجود دارد و البته یکی از دیگری محسوس‌تر است. در تشبیه ارزش‌گذاری مطرح نیست و یک چیز در عین حال می‌تواند به چیز بدی یا به چیز خوبی تشبیه شود. مهم این است که قصد نویسنده یا گوینده چه باشد. برای مثال، می‌توان چهره شخصی را که برآیمان خوشایند نیست چون به سیاهی می‌زند، به زغال تشبیه کنیم و یا همان چهره را اگر مورد پسندمان باشد، از نظر زیبایی گندم‌گون توصیف نماییم. همان‌طور که در بالا با اعداد نشان دادیم، تشبیه چهار پایه دارد: مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبهه و ادات تشبیه. مثال: **فرمانده** (مشبهه) **هم‌چون** (ادات تشبیه) **شیر** (مشبه‌به) **می‌گرید** (غرض = وجه‌شبهه)

یا: **چشمانش** (مشبهه) **مثل** (ادات تشبیه) **چشمان گربه** (مشبه‌به) در تاریکی **برق می‌زند** (برق زدن = وجه‌شبهه)

تشبیه کردن امری ذوقی است و بسته به توانایی نویسنده و گوینده می‌تواند زیبا باشد یا نباشد.

*** استعاره:** استعاره همان تشبیه است در صورتی که شباهت بین دو چیز آن‌قدر باشد که بتوان یکی را به جای دیگری به کار برد. مثال: گل من خندید. در این‌جا مثلاً مادری کودک خردسال خود را که در گهواره خوابیده در ذهن خود به گل تشبیه کرده تا آن حدی که او را همان گل دیده است و لذا می‌گوید گل من خندید. در این‌جا این نوع سخن آرایه را استعاره می‌گویند؛ استعاره در لغت یعنی عاریه گرفتن و قرض کردن کلمه‌ای برای به کار بردن به جای کلمه‌ای دیگر.

*** کنایه:** وقتی کلمه یا جمله‌ای دارای دو معنی حقیقی و غیرحقیقی یا مجازی باشد طوری که بتوان از معنی حقیقی به معنای مجازی پی برد، در این صورت از کنایه استفاده

کرده‌ایم. مثلاً وقتی می‌گوییم باد به پرچم او می‌وزد، یک جمله ساده را بیان کرده‌ایم که در صورت وقوع کاملاً قابل مشاهده است و آن وزیدن باد به پرچم است. اما زمینه فرهنگی و اجتماعی از این جمله دریافت دیگری دارد و آن مثلاً موفقیت و رونق بازار فردی است که مورد نظر ماست (او). با چند مثال دیگر مفهوم کنایه را بهتر درک می‌کنیم:

| معنای حقیقی | معنای کنایی |
|---------------------|-----------------------------|
| کلاهش پشم ندارد. | قدرت و نفوذی ندارد. |
| سایه‌اش بلند است. | متکبر و خودخواه است. |
| دود چراغ خورده است. | خیلی در شب مطالعه کرده است. |

*** ایهام:** این کلمه به معنی در وهم و گمان افکندن یا تردیدافکنی است. جمله‌ای که دارای ایهام است حداقل دو معنا از آن دریافت می‌شود. تصور کنید شما روی پله‌های نردبانی نشسته‌اید و دارید درباره فروش چیزی با کسی صحبت می‌کنید و او از شما می‌خواهد که قیمت را پایین بیاورید بنابراین می‌گوید بیا پایین! این‌جا دو معنی به ذهن می‌رسد یکی این که شما باید قیمت را پایین بیاورید و دیگر این که از نردبان بیایید پایین!

به این بیت حافظ توجه کنید:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

*** تلمیح:** تلمیح در لغت به معنی اشاره کردن به چیزی است و «در نظم یا نثر اشاره‌ای کوتاه است به آیه، حدیث، شعر، قصه یا مثلی مشهور برای تقویت معنای مقصود یا اثبات سخن خویش» (فرهنگ سخن). مثلاً وقتی حافظ می‌گوید:

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شنود

شرحی از مظلمه خون سیاووشش باد

خون سیاووش در این‌جا تلمیح است و اشاره دارد به ماجرای کشته شدن سیاوش، که شرح مفصل آن در شاهنامه فردوسی آمده است.

و یا وقتی سعدی می‌گوید:

پسر نوح با بدان بنشست

خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند

پی مردم گرفت و مردم شد

در این دو بیت نیز پسر نوح و سگ اصحاب کهف هر دو تلمیح است و اشاره به داستان معروف این دو دارد که در قرآن کریم آمده است.

اکنون شما

با جست‌وجو در چند اثر مهم منظوم فارسی از بزرگانی چون نظامی، مولوی، سعدی و حافظ از هر یک چند تلمیح و در مجموع ۱۰ نمونه پیدا کنید و بنویسید که هر تلمیح به چه موضوعی اشاره دارد و حاصل جست‌وجوی خود را برای ما بفرستید.

در شماره آینده به موضوع مقاله‌نویسی خواهیم پرداخت.

تفاوت یک نوشته ساده با نوشته‌ای که از آرایه‌های ادبی بهره برده، هم‌چون تفاوت خواندن یک غزل حافظ است وقتی به صورت عادی خوانده شود یا وقتی که با آواز و همراه با موسیقی اجرا گردد

به کارگیری شیوه‌های گوناگون تصویرسازی و زیبا کردن کلام را سخن آرایه می‌گویند